

## هم کار کردن و هم کار نکردن خطر دارند

می‌دهد. راهکار جلوگیری از ابتلا به کرونا به نظر من کار نکردن نیست و وقتی در کشور ما مثل دیگر کشورهای پیشرفته از حمایت‌های مالی هم خبری نیست مردم به قدری تنها هستند که باید خودشان برای کار کردن یا کار نکردن تصمیم بگیرند و سینماگران هم همین شرایط را دارند. به گزارش برنا، بازیگر فیلم سینمایی «تسویه حساب» در ادامه اظهار داشت: من دوستان و اقوامی در کشورهایی مثل ایتالیا و کانادا دارم و می‌بینم در صورت تعطیلی،



usef.poet@gmail.com

فرهنگی

سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۹ • شماره ۵۸۹۱

آفتاب

السا فیروز آذر بازیگر تئاتر و سینما گفت: ما در وضعیت اقتصادی خوبی نیستیم و هر روز شاهد بالا رفتن قیمت زندگی و گران‌تر شدن مایحتاج مصرفی مردم هستیم و به طور قطع سینماگران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. فیروزآذر خاطرنشان کرد: اهالی سینما هم مثل اکثر مردم جامعه در امر معاش خود با مشکل مواجه شده‌اند و متأسفانه هم کار کردن و هم کار نکردن هر دو با خطراتی که دارند سلامتی را به شدت تهدید می‌کنند و بیکاری هم به نوعی افسردگی را در جامعه گسترش

تحلیلی بر اظهارات ناصر شفق درباره وضعیت تولید فیلم و اکران در عرصه هنر هفتم

# سینمایی که سینماییست!



**وقتی یک فارغ التحصیل با بازار کاری مواجه می‌شود که یا بودجه‌ای برای تولید آثار جدید ندارد یا اگر هم بودجه‌ای باشد نصب چشم سبزهایی می‌شود که برخی شان حتی یک واحد دانشگاهی را طی نکردند و تنها به دلیل زیبایی رخ شان موفق شده‌اند به سینما ورود پیدا کنند و تازه ۲۰ درصد آثار تولیدی حاصل از همکاری آنها رنگ برده را به خود می‌بینند خود را به عنوان مخاطب با یک پرسش مهم مواجه می‌بیند. اینکه پس این تلاش‌ها که من در دانشگاه کردم کجا باید به دردم بخوره؟**

۶۶ که محل تحصیل علم و دانش است و اساسا افراد را برای آموختن تخصص‌های مختلف در رشته‌های متنوع جذب می‌کند تا زمانی که آنها را آموزش علم فارغ شدنند بتوانند با ورود به بازار کار، چرخه‌های اقتصادی کشور را در همه زمینه‌ها بر اساس علمی که به صورت آکادمیک در دانشگاه آموخته‌اند، به صورت عملی در مراکز مختلف حرفه‌ای دانش مدارن‌تر بگردانند. صنعتی و کشاورزی و اجتماعی و فرهنگی هم ندارد، به این مفهوم که دانشگاه برای این ایجاد شده که افراد را در زمینه‌های مختلف متخصص بار بیابود تا هنگامی که وارد بازار کار شدند علم را با عمل خود بیامیزند تا نتیجه کارشان برای جامعه مفیدتر باشد. اما پرسش اساسی اینجاست که آیا در دانشگاهی که قرار است مرکز تربیت کارشناس و متخصص باشد خوراک خوب علمی وجود دارد؟ بر اساس آنچه ناصر شفق در این بخش از سخنانش بیان کرده به راحتی می‌توان دریافت که حداقل در حوزه سینما چنین نیست. این تهیه‌کننده می‌گوید جدا از درس لازم و مورد نیازی که یک دانشجو در رشته‌های مرتبط با هنر (مثلا سینما) به عنوان واحد درسی باید پاس کند، واحدهایی هم هستند که کاملا با رشته تحصیلی او یا کاری که او قرار است در آینده به آن مشغول شود، بی‌ربط بوده و هیچگاه در طول فعالیت هنری و حتی در طول زندگی به کارش نمی‌آید. اینکه در یک دانشگاه که محل کسب علم و دانش است دروسی به دانشجوی ارائه می‌شود که با رشته تحصیلی او همخوانی ندارد مانند آن ضرب المثل قدیمی است که می‌گوید «اگر این جاه ا بنا کرد، نان که دارد.» مسلم است واحد درسی غیرمرتبطی که در یک دانشگاه به دانشجویان ارائه می‌شود اگر برای دانشجو سودی ندارد حداقل می‌تواند برای خود دانشگاه جدا از بالا بردن بیلان کاری آموزشی‌اش درآمدی هم داشته باشد. این موضوع نشان می‌دهد که در اکثر دانشگاه‌های ما ملایک، دانشجو نیست، بلکه دانشگاه است. چرا که اگر ملایک دانشجو و بالا بردن سطح علمی او بود هر موضوع غیرمرتبطی را به عنوان واحد درسی به خودرشد نمی‌دادند. اما می‌بینیم که در عمل چون ملایک دانشگاه است هر مسئله‌ای که صلاحدید مسئولان دانشگاه با مراکز علمی آموزشی بالاتر که دانشگاه‌ها زیر نظرشان هستند، باشد به دانشجوی آموزش داده می‌شود و اینکه در این میان چه بر سر دانشجو می‌آید اصلا برای هیچکس اهمیتی ندارد. اینکه دانشجو مجبور است به جای گرفتن پاس کردن واحدهای اصلی مرتبط با رشته تحصیلی‌اش (در اینجا هنر) واحدهای غیرمرتبط را بگیرد یعنی زمان تحصیل در دانشگاهش بیش از آنچه باید باشد، می‌شود، هزینه تحصیل هم همینطور، تازه اینها موجب می‌شوند که دانشجو برای آن چیزی که مهم است و در آینده به دردتش می‌خورد، وقت کمتری داشته باشد. حال در نگاه کلی چنین دانشجویی را در چند سال بعد در نظر بگیرید که از دانشگاه فارغ التحصیل و وارد بازار کار شده است. به نظر شما خروجی چنین فردی در محیط کاری‌اش، در روابط با بقیه همکارانش و در محصولی که تولید می‌کند تا چه اندازه منطبق با دانشی است که باید در دانشگاه می‌آموخته؟

از حمایت‌های مالی لازم برخوردار هستند و دغدغه‌های برای این اتفاق ندارند. وقتی با دوستان و آشناانیم در کشورهای دیگر صحبت می‌کنم، می‌گویند یا کار را تعطیل کرده‌اند یا به صورت آنلاین کار می‌کنند چرا که در بحث معیشت خیالشان راحت است و دغدغه‌های وجود ندارد اما ما وضعیت اقتصادی بدی را تجربه می‌کنیم که خبر از هیچ حمایتی نیست و مجبور هستیم به کار کردن ادامه دهیم.

\* ما در حال حاضر قادر به تولید ۱۰۰ فیلم در سال هستیم که حداکثر ۲۰ فیلم‌اکران می‌شود و ۸۰ فیلم به‌طور طبیعی پنهان یا سواست می‌شوند و فرصت دیده شدن پیدا نمی‌کنند، این یعنی امکان اکران در سینمای ما بسیار کم است بخش دوم اظهارات ناصر شفق به موضوع اکران در سینما اختصاص دارد. همه ما می‌دانیم که سینمایی که هر ساله تعداد متنهایی از افرادی که در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های بازیگری فارغ التحصیل می‌شوند را در دل خود جای می‌دهد و به لحاظ نیروی انسانی هر سال فربه‌تر و وسیع‌تر می‌شود، تازه این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که حداقل یک سوم جمعیت فارغ التحصیل دانشگاهی نمی‌توانند وارد بازار کار سینما شوند. مسلم است برای بقیه‌ای که از هفت‌خوان سینما عبور می‌کنند باید کار فراهم باشد و خوب در سینما کار را خود سینماگران باید فراهم کنند. کار در سینما مانند کار در ادارات دولتی نیست که کارمندان هر روز صبح ساعت ورود و عصر ساعت خروج برزند و حتی اگر هیچ کاری هم انجام ندهند سر ماه حقوقشان (آب باریکه) را بگیرند. کار در سینما یعنی تو باید پیشنهاد داشته باشی و در گرما و سرما در محل‌های مختلف حضور داشته باشی و سختی بکشی تا در نهایت بر اثر یک همکاری عظیم تیمی، همگی بتوانید یک محصول را تولید و روانه پرده نمایش. بدیهی است با این جمعیت عظیم دانشجوی فارغ التحصیل که هر ساله به بدنه سینما تزریق می‌شود تعداد قابل توجهی محصول هنری در طول یکسال تولید می‌شود. ناصر شفق می‌گوید صد فیلم، ماهم همین تعداد را به عنوان ملایک قرار می‌دهیم. اما همانطور که شفق بیان می‌کند بیش از دو سوم این تولیدات رنگ برده را به خود نمی‌بینند و به سرنوشتی غم‌انگیزی مانند توقیف، فیلم سوزی و عدم اکران مبتلا می‌شوند. در میان فیلم‌هایی هم که موفق می‌شوند روی پرده بروند مسلما فیلم‌هایی که با اقبال مخاطب مواجه نمی‌شوند هم وجود دارد. با این تفاسیر فکر می‌کنید سینمای کشور ما در چنین شرایطی چقدر فرصت بالندگی و پیشرفت خواهد داشت؟

\* وقتی فیلمی ساخته نمی‌شود، تئاتری اجرا نمی‌شود و بودجه‌ای در اقتصاد نصیبش نمی‌شود، وقتی خانه هنرمندان در استانه تعطیلی قرار می‌گیرد صرفا به این دلیل که بودجه آن تأمین نمی‌شود و حمایت و کمک برای حفظ آن وجود ندارد، آموزش کجا باید بروز و ظهور پیدا کند؟ عضو شورای مرکزی اتحادیه تهیه و توزیع فیلم ایران در بخش پایانی سخنانش به موضوع بودجه اشاره کرده و می‌گوید همانطور که برای تولید هر محصولی به سرمایه اولیه نیاز داریم، برای تولید آثار هنری هم به سرمایه اولیه نیاز داریم. با توجه به آنچه در بخش پیش بیان کردیم و با توجه به آنچه شفق در این بخش بیان می‌کند می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از همکاری‌ها برای تولید یک اثر جدید به دلیل نداشتن سرمایه (که عمدتا به بودجه‌ای نیاز دارد) شکل نمی‌گیرند و این یعنی آن عده از افرادی که به سودای کار در سینما از دانشگاه‌ها فارغ التحصیل شده‌اند، عملا هنگام بهره‌برداری از تلاش‌ها که در دانشگاه انجام داده‌اند با در بسته مواجه می‌شوند و این یعنی بیکاری، چرا که با دعوت به کار نمی‌شوند، یا نمی‌توانند سرمایه‌های که برای تولید اثر هنری مورد نیازشان است را فراهم کنند و یا مسائل و مشکلات دیگر. اینجاست که عملا موضوع آموزش در دانشگاه‌ها با چالشی بزرگ تحت عنوان «درس خواندن به چه درد می‌خورد؟» مواجه می‌شویم. وقتی یک فارغ التحصیل با بازار کاری مواجه می‌شود که یا بودجه‌ای برای تولید آثار جدید ندارد یا اگر هم بودجه‌ای باشد نصب چشم سبزهایی می‌شود که برخی شان حتی یک واحد دانشگاهی را طی نکردند و تنها به دلیل زیبایی رخشان موفق شده‌اند به سینما ورود پیدا کنند و تازه ۲۰ درصد آثار تولیدی حاصل از همکاری آنها رنگ برده را به خود می‌بینند خود را به خود می‌بینند خود را به عنوان مخاطب با یک پرسش مهم بدارم بخوره؟ اصلا به دردم می‌خورد؟ یعنی من راه رو اشتباه اومدم؟ چنین پرسش‌هایی به احتمال فراوان هیچ پاسخی جز افسردگی و پاسبی و ناامیدی به همراه نخواهد داشت و فرد یا افراد مورد نظر مردم خود را سرزنش می‌کنند که تمام راه را اشتباه آمده‌اند، در حالی‌که اگر همه چیز روال عادی خود را طی می‌کرد و آنگونه که باید می‌بود، بعد قطعا سرنوشت سینما و فعالان باثوق و بااقتل آن (چه آنها که در این حوزه کار می‌کنند و چه آنها که به دلیل مسائلی که بیان شد مجال ورود به این عرصه را پیدا نکردند) طوری دیگر رقم می‌خورد، آنگونه که شایسته سینمای سرزمین پهناوری به نام ایران باشد.

**عکاسان ایرانی در هندوستان**  
نمایشگاه «سطح هنری» در هند برای اولین‌بار در سال ۲۰۲۰ به صورت آنلاین برگزار شده است. در این رویداد آثار هنرمندان جوان در رشته‌های نقاشی، طراحی، عکاسی و... به نمایش درآمد است. از ایران نیز سارا ساسانی و بابک حقی عکس‌های خود را در این مجموعه به نمایش گذاشته‌اند. برگزار کنندگان این رویداد عقیده دارند با وجود شیوع کرونا و فیلدهای قرنطینه همه فعالیت‌ها در جهان، خلاقیت شیوع کرونا و فیلدهای قرنطینه به شدت افزایش پیدا کرده است. درعین حال بسته شدن مرزهای فیزیکی و استفاده از یک قالب آنلاین این امکان را فراهم کرده است که امسال هنرمندانی از کشورهای دیگر نیز در این رویداد حضور داشته باشند. به گزارش امکاناتی نمایشگاه «سطح هنری» بستری است که به هنرمندان جوان و نوظهور اجازه می‌دهد کارهای خود را به نمایش بگذارند. ArtBuzz Studios هم برگزارکننده این رویداد است، فضای هنری در شهر بوم است که امکان فعالیت برای هنرمندان و متخصصان خلاق را به وجود می‌آورد. در این فضا علاوه بر چند استودیو برای کار کردن هنرمندان، فعالیت‌های مختلف مانند برگزاری نمایشگاه، گفتگوها، کارگاه‌ها و... نیز وجود دارد.

## تلوویزیون و پرداختن به تئاتر

ایرج راد رئیس هیئت مدیره خانه تئاتر درباره پخش تله تئاترها می‌گوید: «اخیرا از شبکه چهار سیما پخش می‌شود گفت: من خوشحال هستم که بالاخره تلویزیون تصمیم گرفت به گونه‌ای تله تئاترها را که قبلا ضبط کرده بود را مجدد پخش کند. وی ادامه داد: در طی سال‌های اخیر من بارها از سازمان صداوسیما خواهش کرده‌ام تا در شبکه‌های مختلف تئاتر پخش کند. اگر هر شبکه در طول هر ماه یک تئاتر پخش کند، هم از نظر گسترش و اشاعه تئاتر تأثیرگذار خواهد بود و هم اینکه می‌تواند بسیاری از مشکلات اشتغال‌یابی هنرمندان تئاتر را سر و سامان بدهد ولی متأسفانه این کار را نمی‌کنند. رئیس هیئت مدیره خانه تئاتر به هنران اشاره کرد: «اگر امکاناتی نمایشگاه، نوعی برای ضبط کارهای جدید نیز در زمان کرونا اقدام کرد اتفاق خوبی می‌افتد. من امیدوار هستم که کرونا هر چه زودتر شرش را از جهان کم کرده و همچنین پخش تله تئاتر بتواند در دل تلویزیون ادامه پیدا کند. امیدوارم این کارها از شبکه‌های دیگر نیز پخش شود تا مردم از طریق صداوسیما بتوانند ارتباط بیشتری با تئاتر بگیرند. ضمن اینکه ساخت تله تئاترها اولا کم هزینه‌تر از سرپال‌ها هستند و از این لحاظ به صرفه‌تر هم هستند.



erbuzz

SURFACE

THE ONLINE EDIT

«مسخ در مسخ» در ایتالیا

فیلم سینمایی «مسخ در مسخ» به کارگردانی جواد دارایی در هفتاد و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم سالرنو نمایش داده می‌شود. این جشنواره از ۳۰ نوامبر تا ۵ دسامبر ۲۰۲۰ برابر با ۱۰ تا ۱۵ آذر ماه در شهر سالرنو به دلیل شیوع کرونا در بستر آنلاین و پس حداقل نمایش‌ها با حد فاصله اجتماعی برگزار می‌شود. اختتامیه جشنواره سالرنو در آخرین شب مصادف با ۵ دسامبر برگزار می‌شود و جوایز به فیلم‌های برگزیده و شخصیت‌های برجسته در زمینه‌های هنری، اجتماعی و فرهنگی اهدا می‌شود. به گزارش مهر، از زمان آغاز به کار تا امروز، جشنواره فیلم سالرنو به عنوان یک رویداد رفاقی برای تولیدات ایتالیایی و بین‌المللی توصیف شده است.



«ماندنی» آماده نمایش شد

فیلم کوتاه «ماندنی» ساخته رحیم صدر با ۷ بازیگر پس از ۱۲ جلسه فیلمبرداری در لوکیشن آرایشگاه زنانه در شرق تهران پایان یافت. «ماندنی» روایت‌کننده قصه ۳ زن است که سه خلیع مثلث درام این فیلم را تشکیل می‌دهند. ایده این فیلم کوتاه بر اساس طرحی از مینا تانیده و مشاهدات روزمره و روشنی‌های اجتماعی زنان در جامعه شکل گرفته است؛ زبانی در حاشیه جامعه که درگیر جبر ناخواسته‌ای از زندگی شده‌اند. به گزارش مهر، در خلاصه داستان «ماندنی» آمده است: «یک روز از خواب بیدار می‌شم و می‌بینم هیچ چیزی دیگه مثل گذشته نیست! ناگهان به شکل مستخرهای از همه چیز جدا شدم...»

رضا کیانیان در «ز مستان بود»

اولین تصویر از رضا کیانیان در فیلم سینمایی «ز مستان بود» به کارگردانی وحید پرشد منتشر شد. نازنین بیاتی، الهام کرد، محمد امین و با معرفی شازمین علیمحمدی دیگر بازیگران «مستان بود» هستند. تهیه این فیلم سینمایی را بهمن کامیار و کامبیز بابایی بر عهده دارند. به گزارش خبر آنلاین، در خلاصه داستان اولین ساخته سینمایی وحید پرشد آمده است: «کاش قصه مهم‌موم تهش خوب باشه. قشنگ باشه. نه مثل جمعه. دلگیر و تلخ. امروز برای من عین غروب جمعه بود، انگار زمستان بود.»



«عطر مینو» آماده نمایش شد

فیلم سینمایی «عطر مینو» (نام موقت) به نویسندگی و کارگردانی محسن جسور که فیلمبرداری آن سال گذشته در لوکیشن‌های خارج از تهران به انجام رسیده بود، با پشت سر گذاشتن آخرین مراحل فنی برای اکران و حضور در جشنواره‌های داخلی و خارجی آماده شد. «عطر مینو» به‌عنوان اولین فیلم بلند جسور، اثری اجتماعی با نگاه به موضوعی انسانی است که به پرشی از زندگی زنی سرگشته می‌پردازد که با کشف رازی پنهان، دچار چالش می‌شود. به گزارش پانا، فرناز زوفا، حسین پاکدل، حسام محمودی و... بازیگران این فیلم سینمایی هستند.



«تخت آبی» در اسپانیا

فیلم سینمایی «تخت آبی» ساخته علیرضا کاظمی‌پور به هفتمین دوره جشنواره «تابو» که از تاریخ ۹ تا ۱۹ دسامبر در شهر زاگرازی اسپانیا برگزار می‌شود، راه یافت. این جشنواره به تشویق فیلمسازان برای نشان دادن مفهوم تابو از دیدگاه خودشان می‌پردازد که مفهومی گسترده و متنوع است و شامل رویاها، ناخودآگاه، دنیاهای ذهنی و واقعیت‌های ناگفته است. ضمن اینکه به تمام روش‌های خلاقیت و تفکر احترام می‌گذارد. به گزارش صبا، «تخت آبی» داستان زن میانسالی به نام زهرا است که دختری به نام نگار را در خیابان سوار ماشین کرده و اصرار دارد که او را به خاتمش ببرد اما نگار نسبت به انگیزه و هویت جنسی او تردید دارد.

پادشاهی گرشاسپ

پسر بود زو را یکی خویش کام پدر کرده بودیش گرشاسپ نام بیامد نشست از بر تخت و گاه به سر بر نهاد آن کیانی کلاه چو بنشست بر تخت و گاه پدر جهان را همی داشت با زبب و فر ختین تا بر آمد برین روزگار درخت بلا کینه آورد بار بترکان خبر شد که زو در گذشت بران سان که بد تخت بی‌کار گشت بیامد بخوار ری افراسیاب ببخشید گیتی و بگذاشت آب نیابود یک تن درود پشنگ پسرش ز کین بود دل پر ز جنگ دلش خود ز تخت و کله گشته بود بتمبر اغریث آغشته بود بدو روی نمودد هرگز پشنگ شد آن تیغ روشن پر از تیره زنگ فرستاده رفتی به نزدیک اوی بدو سال و مه هیچ نمود روی چو اغریثش یار در خور بدی تو خون برادر بریزی همی ز پرورده مرغی گریزی همی مرا با تو تا جلودان کار نیست به نزد منت در دیدار نیست پر آواز شد گوش ازین آگهی که بی‌کار شد تخت شاهنشاهی بیامد بیامد که کردار سنگ به افراسیاب از دلاور پشنگ که بگذار جیحون و بر کش سپاه ممان تا کسی بر نشیند بگاه یکی لشکری ساخت افراسیاب ز دشت سبتهجاب تا رود آب که گفתי زمین شد سپهر روان همی یسار از تیغ هندی روان یکایک بایران رسید آگهی که آمد خریدار تخت مهبی سوی زابلستان نهادند روی جهان شد سراسر پر از گفتگوی بگفتند با زال چندی درشت گیتی بس آسان گرفتی بمشت پس از سلام تا تو شدی پهلوان نبودیم یک روز روشن‌روان سپاه ز جیحون بدین سو کشید شدی آفتاب از جهان ناپدید اگر چاره دانی من این را بساز که آمد سپهد بتنگی فراز چنین گفت پس نامور زال را که تا من بستم بمردی زار هر سوری چون من پای بر زین نگاشت کسی تیغ و گرز مرا بر نداشت بجایسی که من پای بفشارم عنان سواران شدی پاردم شب و روز در جنگ یکسان بدم ز پیری همه ساله ترسان بدم کنون چنبری کشت یال یلی ناید همی خنجر کابلی کنون گشت رستم چو سرو سپی بزید سرو بر کلاه همی یکی اسب جنگیش باید همی کزین تازی اسبان نشاید همی بچویم یکی باره پهل تن بخواهم ز هر سو هست انجنم بخوانم برستم بر این داستان که هستی برین کار همدستان که بر کینه تخمه زادتم ببندی میان و منم ذوم همه شهر ایران ز گفتار اوی بیوندن شادان دل و تازه روی ز هر سو هیونی تکوار تاخت سلیح سواران جنگی بساخت برستم چنین گفت کای پیل تن بیلا سرت برتر از نچی دراز یکی کار پیشرفت و آرامی دراز کروز بگسلد خواب و آرام و ناز ترا نوز پورا گه رزم نیست چه سازم که هنگامه بزم نیست هنوز از لب شیر بوید همی دلت ناز و شادی بجوید همی چگونه فرستم بدشت نبرد ترا پیش ترکان پر کین و درد چه گویی چه ساری چه پاسخ دهی که جفت تو بسادام همی و بهی چنین گفت رستم بدستان سام که من نیستم مرد آرام و جام چنین کیل و این چنگهای دراز نه والا بود پروریدن بناس اگر دشت کین آید و رزم سخت بود یسار بزبان پیروز بخت ببینی که در جنگ من چون شوم چو اندر پی ریزش خون شوم یکی اسب دارم بچنگ اندرون که هم رنگ آبست و بارانش خون همی آتش افروزد از گوهرش همی مغز پیلان بساید سرش یکی باره باید چو کوه بلند چنانچون من آرم بخت کمند یکی گرز خواهم چو یک لخت کوه گر آیند پیشم ز توران گروه سرنشان بکویم بدان گرز بر نیاید بزم هیچ پرخاشخبر که روی زمین را کنم بی‌سپاه که خون بارد اسر اندر آوردگاه